

بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های حل مسئله بر ارتقا و بهبود سبک‌های تصمیم‌گیری در والدین کودکان کم‌توان ذهنی

چکیده

هدف از تحقیق حاضر بررسی اثربخشی آموزش مهارت حل مسئله بر سبک‌های تصمیم‌گیری در والدین کودکان کم‌توان ذهنی بوده است. بدین منظور 60 نفر از والدین کودکان کم‌توان ذهنی کل شهر تهران به صورت نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و به صورت تصادفی به دو گروه آزمایش و کنترل (هر یک به تعداد 30 نفر) تقسیم شدند. طرح مورد استفاده، طرح نیمه آزمایشی پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل بوده است. گروه آزمایش به مدت هفت جلسه تحت آموزش مهارت حل مسئله قرار گرفتند و از پرسشنامه سبک‌های تصمیم‌گیری عمومی اسکات و بروس به عنوان ابزار پژوهش استفاده شد. در پایان داده‌های به دست آمده به کمک آزمون کواریانس مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که آموزش مهارت حل مسئله بر سبک تصمیم‌گیری عقلایی، شهودی، وابستگی و آنی والدین کودکان کم‌توان ذهنی اثرگذار می‌باشد؛ اما آموزش مهارت حل مسئله بر سبک تصمیم‌گیری اجتنابی والدین کودکان کم‌توان ذهنی اثرگذار نیست. در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که آموزش مهارت حل مسئله بر برخی از سبک‌های تصمیم‌گیری والدین کودکان کم‌توان ذهنی اثرگذار می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: مهارت حل مسئله، سبک‌های تصمیم‌گیری والدین، کودکان کم‌توان ذهنی

حسین زارع*
استاد گروه روان‌شناسی دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول)
پریسا شیخ بهایی
کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی

تاریخ دریافت: 1394/3/5

تاریخ پذیرش: 1394/6/19

نشانی: تهران، دانشگاه پیام نور،
دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی،
گروه روان‌شناسی
رایانامه: h_zare@pnu.ac.ir

Investigating the Effect of Training Problem Solving Skills on Improving Decision Making Styles in Parents of Mentally Retarded Children

Abstract

The aim of this study was to investigate the effectiveness of the training problem solving skills on decision making styles in parents of mentally retarded children. For this reason, 60 parents of mentally retarded children were chosen from Tehran, Tejrām by convenience sampling and divided randomly in experimental and control group (30 subjects in each group). The research design, was pre test and post test Quasi experimental design with control group. The experimental group were trained for 7 sessions under problem solving skills. General decision making questionnaire of Scot and Bruce was used as the examination tool. Finally, the data were analyzed by using a covariance test. The results showed that training problem solving skills was effective on rational, intuitive, dependency, and immediate decision making styles of parents with mentally retarded children. However, problem solving skills training was not effective on avoidance decision making styles of parents with mentally retarded children. It was concluded that problem solving skills training was effective on some decision making styles of parents of mentally retarded children.

Hossein zare*

Professor, Department of psychology, Payame Noor University

Parisa sheikhbahaei
M.A in General psychology,
Payame Noor University

*Corresponding Author:
h_zare@pnu.ac.ir

Keywords: *problem-solving skills, mentally retarded children, parents' styles of decision making*

مقدمه

هر یک از ما به کرات با مشکلاتی مواجه بوده‌ایم و تصمیماتی گرفته‌ایم که چگونه با آن‌ها مقابله کنیم. بسیاری از اوقات، فرایند حل مسائل زندگی روزمره به گونه‌ای خودبه‌خود صورت می‌گیرد و دقیقاً متوجه چگونگی انجام آن نمی‌شویم. با این حال، باید توجه داشت که بدون توانایی در شناسایی مشکلات و دستیابی به راه‌حل‌های کارآمد، زندگی روزانه ما فلج خواهد بود (سعید، 1384).

در طول تاریخ، روانشناسان و فلاسفه به بیان این مطلب پرداخته‌اند که یک بخش اساسی از انسان بودن، قابلیت و توانمندی حل مسئله است. مهم‌ترین ایده‌ای که از این مطلب منبث می‌شود این است که توانایی حل مسئله در توانمندی اجتماعی و سلامت روان نقش قابل توجهی دارد. این توانایی حل مسئله بر توانایی رویارویی با مشکلات در زندگی و تصمیم‌گیری افراد بسیار تأثیرگذار است (گری¹ و هپنر²، 2006). حل مسئله نوعی از مقابله متمرکز بر مشکل و سازگار است و موجب خط‌مشی‌های هدفمندانه خاصی می‌شود که افراد به وسیله آن مسئله را تعریف کرده و یک راه‌حل را انجام می‌دهند. آموزش حل مسئله روش درمانی است که بدان طریق فرد می‌آموزد تا از مجموعه مهارت‌های شناختی مؤثر خود برای کنار آمدن با موقعیت‌های بین فردی مشکل‌آفرین استفاده کند. رویکرد حل مسئله اغلب با عباراتی چون استقلال و شایستگی و اعتمادبه‌نفس توصیف می‌شود. در فرایند آموزش حل مسئله 5 مرحله وجود دارد که اکثر نظریه‌پردازان با آن موافق‌اند و این 5 مرحله شامل مراحل زیر است: 1. جهت‌گیری کلی، 2. تعریف و

صورت‌بندی مسئله، 3. ارائه راه‌حل‌های بدیل، 4. تصمیم‌گیری، 5. تحقیق و بررسی. در راهبرد آموزش حل مسئله این باور وجود دارد که تحت تأثیر این آموزش میزان انتظار خود کارآمدی افراد و کفایت شخصی افراد افزایش خواهد یافت. (گلد فرید³ و دیویسون⁴، 1378). وقوع رویدادهای فشارزا در زندگی افراد همراه با ناتوانی در مهارت حل مسئله منجر به راهبردهای مقابله‌ای غیر مؤثر شده و نه تنها مشکلات قبلی حل نمی‌شود، بلکه مشکلات و مسائل جدیدی نیز پیش می‌آورد. نتایج پژوهش‌های پیشین بسیاری بیانگر رابطه پایدار بین تعداد رویدادهای فشارزای زندگی آدمی با سلامت جسمانی و هیجانی وی است. (اتکینسون⁵ و هیلگارد⁶، 1380).

سبک تصمیم‌گیری افراد بیانگر الگوی عادت‌ی است که آن‌ها در هنگام تصمیم‌گیری مورداستفاده قرار می‌دهند. به عبارت دیگر، سبک تصمیم‌گیری⁷ هر فرد، رویکرد شخصیتی او در درک و واکنش به وظیفه تصمیم‌گیری خود است (تاتوم⁸، ابرلین⁹ و کوترابا¹⁰، 2003).

انسان در طول زندگی پیوسته در حال تصمیم‌گیری‌های ساده و پیچیده می‌باشد. به‌طور طبیعی، هر انتخاب به تناسب پیچیدگی و سادگی خود، میزانی از فشار روانی را به فرد وارد می‌کند؛ بنابراین، داشتن مهارت حل مسئله برای کاهش تنش و احساس رضایت از فرایند تصمیم‌گیری امری ضروری است (گری و هپنر، 2006). در این میان، خانواده‌هایی هستند که

3. Goldfried
4. Davison
5. Atkinson
6. Hilgard
7. Decision-making style
8. Tatum
9. Eberlin
10. Kottraba

1. Gary
2. Hapner

مسئله به عنوان متغیر مستقل و سبک‌های تصمیم‌گیری به عنوان متغیر وابسته می‌باشند. برنامه آموزش حل مسئله به صورت یک برنامه 7 جلسه‌ای 2 ساعته (هر هفته یک جلسه و به صورت گروهی برای گروه آزمایش) برگزار شد. طرح جلسات آموزش حل مسئله بر اساس ترکیب سه روش گلدفرید⁴ و زوریللا⁵ (به نقل از حاجی پور، 1381)، روش حل مسئله بیان زاده و نوری قاسم‌آبادی (1379) و کارگاه دو روزه حل مسئله ویلیامز⁶ (2002؛ به نقل از لطفی نیا، 1386) تدوین شد (زنوزیان، 1386).

جلسه اول به معرفی اعضای گروه و بیان اصول گروه‌درمانی و انواع مقابله، به علاوه تمرینات مربوط به آن اختصاص یافت. در جلسه دوم به بحث گروهی درباره فواید برنامه‌ریزی برای مشکل پرداخته شد. در همین جلسات شناخت‌های ناکارآمد اصلی در حل مشکل و یافتن آن‌ها در اعضای گروه مورد بررسی قرار گرفت، البته با چالش‌های کلامی و بحث گروهی سعی در تعدیل شد. در جلسه سوم، تعریف دقیق مشکل و تبدیل آن به اجزای ساده‌تر و بدون ابهام به همراه توصیف عملیاتی از مشکل مدنظر قرار گرفت و روش سیال سازی یا بارش ذهنی آموزش داده شد و مورد تمرین قرار گرفت. در جلسه چهارم، از روش بارش ذهنی برای مشکلات واقعی آزمودنی‌ها استفاده شد. در جلسه پنجم، ارزیابی راه‌حل‌ها و اولویت‌بندی آن‌ها مورد توجه قرار گرفت و آزمودنی‌ها تشویق شدند که به ارزیابی راه‌حل‌های پیشنهادی خود در خصوص مشکلات بپردازند. در جلسه ششم به تمرین بیشتر روی روش حل مسئله بر اساس داستان‌های از

دارای فرزند کم‌توان ذهنی می‌باشند، این افراد با میزان بالایی از تنش مواجه هستند و در نتیجه باید دارای توانایی بیشتری در مهارت حل مسئله باشند. در این خانواده‌ها، مادران باید به‌طور روزانه تعداد زیادی تصمیم بگیرند که به ادامه زندگی فرزندشان مربوط است؛ بنابراین، تصمیم‌گیری درباره بسیاری از کارهای فرزند کم‌توان ذهن فرایندی بسیار پیچیده خواهد بود. به‌علاوه، فرزندان دیگر، اطرافیان و خانواده‌های آن‌ها انتظار دارند که این مادران در برخورد با نیازهای آن‌ها بهترین تصمیم را بگیرند (آلتون¹، 2003).

طبقه‌بندی‌های مختلفی از سبک‌های تصمیم‌گیری ارائه شده است. اسکات² و بروس³ (1995) پنج شیوه تصمیم‌گیری را با توجه به ویژگی‌های فردی، به عنوان عاملی مهم در شکل‌گیری سبک تصمیم‌گیری، ارائه نمودند: سبک تصمیم‌گیری عقلایی، شهودی، وابستگی، آنی و اجتنابی.

در تحقیق حاضر، سؤال اینجا است که آموزش مهارت حل مسئله چه تأثیری بر سبک‌های تصمیم‌گیری دارد. برای پاسخ به این سؤال - و با توجه به اهمیت موضوع - این مطالعه تعیین اثربخشی آموزش مهارت حل مسئله بر سبک‌های تصمیم‌گیری والدین کودکان کم‌توان ذهنی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

روش

طرح مورداستفاده در این تحقیق، یکی از طرح‌های نیمه آزمایشی، یعنی طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل می‌باشد و متغیرها شامل مهارت حل

4. Goldfried
5. Zurilla
6. Williams

1. Altun
2. Scott
3. Bruce

3. سبک تصمیم‌گیری وابستگی؛ 4. سبک تصمیم‌گیری آنی؛ 5. سبک تصمیم‌گیری اجتنابی.

اسپایسر¹ و اسمیت² (2005) اعتبار و روایی این پرسشنامه را در حد بالا گزارش کردند. آنان اعتبار صوری و محتوایی پرسشنامه را بین 0/95-0/68، روایی درونی آن را از 0/67 تا 0/87 و روایی تکرار آزمون را از 0/67 تا 0/85 ارزیابی نمودند. اسکات و بروس هر یک از خرده مقیاس‌ها را نیز اعتبار یابی کرده‌اند. روایی درونی آن برای خرده مقیاس‌های عقلانی بین 0/77-0/85، برای خرده مقیاس‌های شهودی بین 0/78-0/84، برای اجتنابی بین 0/93-0/94، برای وابسته بین 0/68-0/86 و برای خرده مقیاس آنی 0/87 برآورد کردند.

روایی و پایایی این پرسشنامه در ایران توسط زارع و اعراب شبیانی (1390) مورد تأیید قرار گرفته است. میزان پایایی این پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ در مطالعه آن‌ها به روی گروه دانشجویان 0/75 به دست آمده است.

یافته‌ها

از میان 60 نفر والدین حاضر در این تحقیق، تعداد 38 نفر (63/3%) زن و تعداد 22 نفر (36/7%) مرد بودند. میانگین سنی مردان حاضر در تحقیق برابر با 38/23 سال و میانگین سنی زنان حاضر در تحقیق برابر با 34/69 سال بود. میانگین سنی تمام شرکت‌کنندگان در مطالعه نیز برابر با 36/46 سال محاسبه شد. از نظر میزان تحصیلات، تعداد 8 نفر از شرکت‌کنندگان (13/33%) دارای مدرک تحصیلی زیر دیپلم، 7 نفر از شرکت‌کنندگان (11/66%) دارای مدرک دیپلم،

پیش آماده‌شده پرداخته شد. در انتهای این جلسه، آزمودنی‌ها تشویق شدند که به منظور حل مشکلات خود دست به اقدام بزنند و گام به گام روش حل مسئله را اجرا کنند. در جلسه هفتم، آزمودنی‌ها به گزارش فرایند و نتیجه روش حل مسئله در حل مشکلات شخصی پرداختند و سودمندی این روش را در حل مشکل خود ارزیابی کردند. در نهایت، از آزمودنی‌ها در خصوص این جلسات بازخورد دریافت شد تا میزان مفید بودن آن‌ها و همچنین اثر آن‌ها در تغییر افکار و احساسات آزمودنی‌ها مورد بررسی قرار گیرد. لازم به ذکر است که در پایان هر جلسه، تکلیف مربوط به همان جلسه به آزمودنی‌ها ارائه شد تا در فاصله بین جلسات به آن‌ها پردازند و در انتهای جلسه بعد به بررسی و صحبت درباره آن‌ها پرداخته شد.

جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه والدین کودکان کم‌توان ذهنی در شهر تهران بود؛ و نمونه مورد مطالعه شامل 60 نفر از والدین کودکان کم‌توان ذهنی پسر کل شهر تهران بود که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شد و به صورت تصادفی در دو گروه کنترل (بدون آموزش مهارت حل مسئله) و آزمایش (با آموزش مهارت حل مسئله) قرار گرفت.

ابزارهای اندازه‌گیری

برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز، هم از برگزاری دوره آموزشی و هم از پرسشنامه سبک‌های تصمیم‌گیری عمومی اسکات و بروس استفاده شد. این پرسشنامه در سال 1995 توسط اسکات و بروس به منظور ارزیابی شیوه‌های تصمیم‌گیری و بر اساس نظریه سبک‌های تصمیم‌گیری ساخته شد. از این دیدگاه، پنج سبک تصمیم‌گیری وجود دارد که عبارت‌اند از: 1. سبک تصمیم‌گیری عقلایی؛ 2. سبک تصمیم‌گیری شهودی؛

1. Spicer
2. Smith

تعداد 30 نفر (50%) نفر دارای مدرک کارشناسی، در جدول 1 آماره‌های مربوط به پیش‌فرض‌های آزمون کواریانس مورد بررسی قرار گرفته‌اند. تعداد 11 نفر (18/33%) دارای مدرک کارشناسی ارشد و تعداد 4 نفر دارای مدارک بالاتر از کارشناسی ارشد بودند.

جدول 1- آماره‌های مربوط به پیش‌فرض‌های آزمون کواریانس

خطی بودن متغیرها		همگنی واریانس‌ها (آزمون لوین)		توزیع نرمال متغیرها (آزمون کولموگروف)		متغیر
Tolerance	VIF	Sig	F	Sig.	Kolmogorov-Smirnov Z	
1	1	0/057	3/760	0/227	1/043	سبک‌های تصمیم‌گیری

آماره‌های موجود در جدول 1 نشان می‌دهند که کواریانس را دارند. نتایج توصیفی سبک‌های متغیرهای تحقیق شرایط بررسی به وسیله آزمون تحلیل تصمیم‌گیری در جدول 2 نشان داده شده‌اند.

جدول 2- نتایج توصیفی سبک‌های تصمیم‌گیری به تفکیک گروه‌های آزمایش و کنترل

نتیجه				گروه	متغیر
پیش‌آزمون		پس‌آزمون			
SD	M	SD	M		
0/84	2/78	0/76	2/74	کنترل	سبک تصمیم‌گیری عقلایی
0/13	3/22	0/74	2/66	آزمایش	
0/66	3/06	0/66	3/02	کنترل	سبک تصمیم‌گیری شهودی
0/86	3/51	0/64	3/01	آزمایش	
0/65	3/50	0/65	3/48	کنترل	سبک تصمیم‌گیری وابستگی
0/95	2/84	0/72	3/56	آزمایش	
0/61	3/21	0/60	3/16	کنترل	سبک تصمیم‌گیری آنی
0/12	2/70	0/61	3/10	آزمایش	
0/85	2/91	0/81	2/80	کنترل	سبک تصمیم‌گیری اجتنابی
0/92	2/80	0/84	2/72	آزمایش	
0/63	3/08	0/61	3/04	کنترل	سبک‌های تصمیم‌گیری
0/88	3/48	0/63	3/02	آزمایش	

با توجه به اطلاعات جدول 2، میانگین سبک‌های عقلانی و شهودی افزایش داشته و میانگین نمرات سبک‌های آنی و وابسته کاهش داشته است. هم‌چنین در میانگین سبک تصمیم‌گیری اجتنابی نیز تغییراتی مشاهده

می‌شود. در ادامه برای مطالعه معنی‌داری تغییرات میانگین نمرات و کنترل پیش‌آزمون بر روی پس‌آزمون از روش تحلیل کواریانس استفاده شد.

جدول 3- نتایج تحلیل کواریانس

متغیر اندازه‌گیری سبک تصمیم‌گیری	منبع تغییرات	میانگین مجدورات	F	سطح معناداری	توان آزمون	نتیجه آزمون
سبک تصمیم‌گیری	پیش‌آزمون	18/04	25/83	0/05	0/99	تأیید
عقلایی	گروه	3/75	5/38	0/05	0/63	
سبک تصمیم‌گیری	پیش‌آزمون	7/70	16/35	0/05	0/98	تأیید
شهودی	گروه	3/13	6/65	0/05	0/72	
سبک تصمیم‌گیری	پیش‌آزمون	14/83	35/83	0/05	1/00	تأیید
وابستگی	گروه	7/95	18/79	0/05	0/99	
سبک تصمیم‌گیری آنی	پیش‌آزمون	10/39	15/96	0/05	0/97	تأیید
	گروه	3/32	5/10	0/05	0/60	
سبک تصمیم‌گیری	پیش‌آزمون	18/05	37/01	0/05	1/00	عدم تأیید
اجتنابی	گروه	0/03	0/07	0/05	0/06	(رد)
سبک‌های تصمیم‌گیری	پیش‌آزمون	8/93	19/82	0/05	0/99	تأیید
	گروه	2/69	5/97	0/05	0/67	

بنابراین می‌توان گفت آموزش مهارت حل مسئله بر سبک تصمیم‌گیری آنی والدین کودکان کم‌توان ذهنی اثرگذار می‌باشد.

ارزش F محاسبه‌شده برای سبک تصمیم‌گیری وابستگی برابر با 18/79 و سطح معناداری برابر با 0/001 است. این اختلاف در سطح معنی‌داری 0/05 معنادار است؛ بنابراین می‌توان گفت آموزش مهارت حل مسئله بر سبک تصمیم‌گیری وابستگی والدین کودکان کم‌توان ذهنی اثرگذار می‌باشد.

ارزش F محاسبه‌شده برای سبک تصمیم‌گیری اجتنابی برابر با 0/07 و سطح معناداری برابر با 0/79 است. این اختلاف در سطح معنی‌داری 0/05 معنادار نمی‌باشد؛ بنابراین می‌توان گفت آموزش مهارت حل مسئله بر سبک تصمیم‌گیری اجتنابی والدین کودکان کم‌توان ذهنی اثرگذار نیست.

با توجه به نتایج جدول 3، ارزش F محاسبه‌شده برای سبک تصمیم‌گیری عقلایی برابر با 5/38 و سطح معناداری برابر با 0/02 است. این اختلاف در سطح معناداری 0/05 معنادار است؛ بنابراین می‌توان گفت آموزش مهارت حل مسئله بر سبک تصمیم‌گیری عقلایی والدین کودکان کم‌توان ذهنی اثرگذار می‌باشد.

ارزش F محاسبه‌شده برای سبک تصمیم‌گیری شهودی برابر با 6/65 و سطح معناداری برابر با 0/01 است. این اختلاف در سطح معناداری 0/05 معنادار است؛ بنابراین می‌توان گفت آموزش مهارت حل مسئله بر سبک تصمیم‌گیری شهودی والدین کودکان کم‌توان ذهنی اثرگذار می‌باشد.

ارزش F محاسبه‌شده برای سبک تصمیم‌گیری آنی برابر با 5/10 و سطح معناداری برابر با 0/02 است. این اختلاف در سطح معنی‌داری 0/05 معنادار است؛

دارای کودک کم‌توان ذهنی اثرگذار می‌باشد که این یافته با مطالعه زارع، احمدی، نوفرستی و حسینیایی (1391) و همچنین مطالعه حیدری و همکاران (1392) همسو می‌باشد. تصمیم‌گیری شهودی فرایندی ناخودآگاه است که در سایه تجربه‌های استنتاج شده به دست می‌آید. افرادی که از این سبک برخوردارند، بررسی بخردانه مسئله را به کلی رد نمی‌کنند، بلکه معتقدند در شرایطی که بررسی دقیق اطلاعات وجود ندارد، شهود درونی به کمک فرد آمده و در تصمیم‌گیری نقش مهمی را ایفا می‌کند.

همچنین معیارهایی که والدین برای اخذ تصمیم به کار می‌برند عواملی هستند که در راه رسیدن خانواده به هدف دارای اهمیت هستند. از طریق تجزیه و تحلیل‌های علمی و بررسی هدف و خط مش‌های خانواده می‌توان این معیارها را شناسایی کرده و با شناخت هر چه بهتر این عوامل، والدین خواهند توانست تصمیمات مناسب‌تری اتخاذ کنند. با این حال، عوامل مختلفی به روی این تصمیمات اثرگذار می‌باشند. فردی که از توان حل مسئله بالایی برخوردار است، هنگام مواجهه با یک مسئله با درایت بیشتر و دقت نظر بالاتری جوانب متعدد مسئله را در نظر می‌گیرد تا تصمیمی که اتخاذ می‌شود تصمیم مناسب و بهینه‌ای باشد. نتایج تحقیق حاضر نشان داد که آموزش مهارت حل مسئله بر تصمیم‌گیری آنی والدین کودکان کم‌توان ذهنی اثرگذار می‌باشد. این یافته با مطالعه حیدری و همکاران (1392) مطابقت دارد.

سبک تصمیم‌گیری وابسته بیانگر عدم استقلال فکری تصمیم‌گیرنده و تکیه او بر حمایت و راهنمایی‌های دیگران در هنگام اتخاذ تصمیم است. نتایج تحقیق حاضر نشان داد که آموزش مهارت حل مسئله بر سبک تصمیم‌گیری وابستگی در والدین کودکان کم‌توان ذهنی اثرگذار می‌باشد.

در نهایت با توجه به نتایج جدول 2 می‌توان نتیجه گرفت که ارزش F محاسبه‌شده برای سبک‌های تصمیم‌گیری برابر با 5/97 و سطح معناداری برابر با 0/02 بوده است. این اختلاف در سطح معنی‌داری 0/05 معنادار است. در نتیجه می‌توان گفت آموزش مهارت حل مسئله بر سبک‌های تصمیم‌گیری والدین کودکان کم‌توان ذهنی اثرگذار می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

در این تحقیق، محقق به بررسی اثربخشی آموزش مهارت حل مسئله بر سبک‌های تصمیم‌گیری والدین کودکان کم‌توان ذهنی پرداخته و نتایج زیر به دست آمد:

برای اتخاذ یک تصمیم مساعد باید بتوان ارزش هر یک از نتایج احتمالی که پس از انجام تصمیم حاصل خواهند شد را پیش‌بینی کرده و به‌طور ضمنی این ارزش‌ها را با نوعی مقیاس کمی مقایسه، از نظر احتمال موفقیت بررسی کرد. این کار همیشه ساده نخواهد بود. تصمیم‌گیری از اجزای جدایی‌ناپذیر زندگی به شمار می‌آید و در هر وظیفه والدین به نحوی جلوه‌گر است. والدینی که از مهارت حل مسئله بالاتری برخوردارند می‌توانند تصمیمات عاقلانه‌تری اتخاذ نمایند. نتایج تحقیق حاضر نشان داد که آموزش مهارت حل مسئله بر سبک تصمیم‌گیری عقلایی والدین دارای کودکان مبتلا به کم‌توانی ذهنی اثرگذار می‌باشد. این یافته با نتایج مطالعه اتو¹، کانون²، مولروی³، رزنوم⁴ و موریزیو⁵ (2003) و همچنین مطالعه حیدری، شهبازی و دریس (1392) همسو می‌باشد.

نتایج تحقیق حاضر نشان داد که آموزش مهارت‌های حل مسئله بر سبک تصمیم‌گیری شهودی والدین

1. Otto
2. Cannon
3. Mulroy
4. Rosenbaum
5. Maurizio

این یافته با مطالعه لائورا¹، ایلنا²، ایان³ و داریو⁴ (2006) و همچنین مطالعه حیدری و همکاران (1392) همسو می‌باشد. افرادی که از سبک تصمیم‌گیری اجتنابی برخوردارند، در هنگام مواجهه با مسئله تا آنجا که امکان‌پذیر باشد تصمیم‌گیری را به تعویق انداخته و از هرگونه واکنش نسبت به مسئله طفره می‌روند. این امر می‌تواند در زندگی افراد مشکل ایجاد کند. نتایج تحقیق حاضر نشان داد که آموزش مهارت‌های حل مسئله بر سبک‌های تصمیم‌گیری والدین کودکان کم‌توان ذهنی اثرگذار می‌باشد. این یافته با نتایج مطالعاتی از قبیل پژوهش اتو و همکاران (2003)، لمای⁵، هرلی⁶ و ویلسون⁷ (2008)، برغندان، عنایتی، مهربابی‌زاده هنرمند (1388) و درنهایت پژوهش حیدری و همکاران (1392) دارای مطابقت است.

مطرح می‌باشد.

تصمیم‌گیری در زندگی افراد نقش مهمی دارد زیرا می‌تواند نحوه زندگی آن‌ها را تحت تأثیر خود قرار داده و سرنوشت خاصی را برای فرد رقم زند. تصمیم‌گیری به‌عنوان جوهره اصلی فعالیت‌های

5. Lemay
6. Hurley
7. Wilson

1. Laura
2. Ilenaa
3. Ian
4. Dario

منابع

- اتکینسون، ریتا، اتکینسون، ریچارد، و هیلگارد، ارنست. (1380). زمینه روان‌شناسی هیلگارد، جلد دوم، (ترجمه محمدتقی براهنی)، تهران: رشد.
- برغندان، میترا، عنایتی، میرصلاح الدین، و مهربانی‌زاده هنرمند، مهناز. (1388). اثربخشی آموزش مهارت حل مسئله به شیوه گروهی بر سلامت عمومی و رضایت زناشویی همسران کارمندان مرد طرح اقماری، یافته‌های نو در روان‌شناسی، 2(3)، 95-107.
- بیان‌زاده، سید اکبر، و نوری قاسم‌آبادی، ربابه. (1379). برنامه آموزش کارگاه پیشگیری از ایدز (بخش اول): مشاوره ساخت رفتارهای سالم به منظور پیشگیری از ایدز در نوجوانان مرکز مدیریت بیماری‌ها، انستیتو روان‌پزشکی تهران.
- حاجی‌پور، حسن. (1381). بررسی نگرش‌های ناکارآمد، میزان استرس، راهبردهای مقابله با استرس در معنادان به مواد افیونی جوای درمان در مقایسه با افراد غیر معتاد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی بالینی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، انستیتو روان‌پزشکی تهران.
- حیدری، محمد، شهبازی، سارا، و دریس، فاطمه. (1392). تأثیر آموزش مهارت حل مسئله بر تصمیم‌گیری دانشجویان فوریت‌های پزشکی، مدیریت ارتقا سلامت، 2(2)، 25-31.
- زارع، حسین، و اعراب شیبانی، خدیجه. (1390). بررسی روایی و پایایی پرسشنامه سبک‌های تصمیم‌گیری در دانشجویان ایرانی، مجله پژوهش‌های روان‌شناختی، 14(2)، 112-125.
- زارع، حسین، احمدی ارغندی، علی، نوفهرستی، احمد، و حسینیایی، علی. (1391). اثربخشی آموزش فراشناختی حل مسئله بر ناتوانایی یادگیری ریاضی، مجله ناتوانایی‌های یادگیری، 2(2)، 112-125.
- زنوزیان، سعیده. (1386). بررسی اثربخشی آموزش مهارت حل مسئله بر تغییر سبک هویت، راهبردهای مقابله‌ای، اضطراب و افسردگی دانشجویان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، انستیتو روان‌پزشکی تهران.
- سعید، یاسر. (1384). بررسی تأثیر آموزش حل مسئله بر کاهش اضطراب امتحان و افزایش عزت‌نفس دانش‌آموزان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی اهواز.
- گلد فرید، ماروین، و دیویسون، جرالدهی. (1378). رفتاردرمانی بالینی، (ترجمه فرهاد ماهر)، مشهد: آستان قدس رضوی.
- لطفی‌نیا، حسین. (1386). مقایسه اثربخشی درمان حل مسئله در دانشجویان افسرده با سبک‌های پاسخ‌نشخوار ذهنی و توجه برگردانی، رساله دکتری، روان‌شناسی بالینی، انستیتو روان‌پزشکی تهران، دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- Altun, I. (2003). The perceived problem solving ability and values of student nurses and midwives, *Nurse Education Today*, 23 (8), 575-584.
- Gary, W. N., & Hapner, p. (2006). Problem solving self-appraisal, awareness and Utilization of campus helping resources, *Journal of counseling psychology*, 133 (1), 34-44.
- Laura, B., Ilenna, B., Ian, F., & Dario, L. (2006). Innovations: Rehab rounds: problem solving skills for cognitive rehabi litation among persons with chronic psychotic disorders in Italy. *Psychiatrics Series*, 57 (2), 172-174.
- Lemay, K., & Wilson, K. G. (2008). Treatment of existence distress in life threatening illness, a review of annulized interview, *Clinical Psychology review*, 28, 472-493.
- Otto, W. M., Cannon, B., Mulroy, R., Rosenbaum, F. J., Maurizio, F., & Andrew, A. (2003). Dysfunctional attitudes and poor problem solving skills predict hopelessness in major depression, *Journal of Affect Disco*, 55, 45-49.

- Scott, S. G., & Bruce, R. A. (1995). Decision- Making style: The development and assessment of a new measure, *Educational and psychological Measurement*, 55 (4), 818-828.
- Spicer, D. P., & Smith, S. (2005). An examination of the general decision- making style, *Journal of Managerial Psychology*, 20 (2), 137-238.
- Tatum, B., Eberlin, R., & Kottraba, C. (2003). Leadership, Decision- making and organization Justice, *Journal of Management Decision*, 5 (14), 147-157.